

بررسی تحمل به سطوح مختلف سایه در دو گونه چمن فصل سرد علف گندمی بیابانی (*Agropyron desertorum*) و گونه چمانواش بلند (*Festuca arundinaceae* Schreb. 'Forager')

امیر صادقی^۱، نعمت اله اعتمادی^{۱*}، علی نیکبخت^۱ و محمدرضا سبزه‌علیان^۲

به ترتیب ^۱ گروه علوم باغبانی و گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان

(تاریخ دریافت: ۹۲/۰۶/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۰۲/۳۰)

چکیده:

مسئله کمبود نور و ایجاد سایه به واسطه توسعه مصنوعات بشری و همچنین سایه ناشی از درختان در فضای سبز، چالش مهم پیش روی چمن به عنوان یکی از اجزای اصلی فضای سبز شهری می باشد. در این پژوهش اثر سطوح مختلف سایه (۰، ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد) بر خصوصیات ظاهری و مورفولوژیک چمن‌های سردسیری علف گندمی بیابانی (*Agropyron desertorum*) و چمانواش بلند (*Festuca arundinaceae* Schreb. 'Forager') در قالب طرح کاملاً تصادفی با سه تکرار بررسی شد. نتایج بدست آمده از این آزمایش نشان داد که گونه علف گندمی بیابانی با دارا بودن بیشترین رنگ، بافت، قدرت پنجه زنی، وزن تر و خشک اندام هوایی و ریشه، نسبت وزن ریشه به اندام هوایی و هدایت روزنه ای در نور کامل در مقایسه با سایر سطوح سایه، کارایی بالاتری داشت. گونه چمانواش بلند در شرایط سایه ۵۰ درصد، با داشتن بیشترین رنگ، قدرت پنجه زنی، نسبت وزن ریشه به اندام هوایی و فستوتز در مقایسه با نور کامل از کارایی بالاتری برخوردار بود. همچنین نتایج نشان داد که از نظر خصوصیات مطلوب جهت کاربرد زینتی در فضای سبز، گونه چمانواش بلند در کلیه سطوح سایه عملکرد بهتری در مقایسه با گونه علف گندمی بیابانی داشته است. با این حال هر دو گونه قادر به تحمل سایه شدید ۹۰ درصد نبودند.

کلمات کلیدی: چمانواش بلند، سایه، علف گندمی بیابانی.

مقدمه:

باشد. برآورد شده است که بیست تا بیست و پنج درصد از چمن های مورد استفاده در شرایط سایه کشت شده اند (Beard, 1973). برخلاف سایر محصولات کشاورزی، در تولید چمن ها تلاش بر هرچه متراکم تر کاشتن آنها می باشد که این خود رقابت برای نور در شرایط سایه را شدیدتر میکند (Madison, 1971). انواع مختلفی از سایه، از قبیل سایه ناشی از درختان و یا سایه ساختمانها بر کیفیت، ماندگاری و قدرت پاخوری چمن ها تاثیر گذار هستند (Pessarakli, 2008) رشد

گسترش شهر نشینی لزوم ایجاد و توسعه فضای سبز را غیر قابل اجتناب کرده است. از طرفی با توجه به تعداد بالای روزهای آفتابی و آفتاب خیز بودن کشور ایران، ایجاد سایه در فضای سبز شهری امری ضروری به نظر می رسد. اما مسئله کمبود نور و ایجاد سایه به واسطه توسعه ساختمانها و همچنین سایه ناشی از درختان در فضای سبز، چالش مهم پیش روی چمن به عنوان یکی از اجزای اصلی فضای سبز شهری می

* نویسنده مسئول، نشانی پست الکترونیکی: etemadin@cc.iut.ac.ir

و نمو چمن‌ها تحت تاثیر شدت و کیفیت نور دریافتی می‌باشد (Wherley *et al.*, 2005). سایه با کاهش شدت و کیفیت نور در خصوصیات ریخت‌شناسی و فیزیولوژیک چمن تغییراتی را ایجاد می‌کند (Wherley *et al.*, 2005; Dudeck and Peacock, 1992). بسیاری از این تغییرات چهار تا هفت روز بعد از وقوع تنش سایه بروز خواهند کرد (Stanford, 2005). چمن‌ها در شرایط سایه، اتیوله و ضعیف گشته و حساسیت آنها به بیماری‌ها افزایش خواهد یافت (Pessaraki, 2008; Tan and Qian, 2003). اکثر گونه‌های چمن اگر کمتر از چهار تا پنج ساعت در روز در معرض نور مستقیم آفتاب قرار بگیرند، خسارت خواهند دید (Goss, 2002). قدرت زنده ماندن چمن‌های فصل سرد در شرایط سایه بواسطه پایین تر بودن نقطه موازنه و اشباع نوری آنها، نسبت به اکثر چمن‌های فصل گرم بیشتر می‌باشد (Alexander and McCloud, 1962). در بیشتر چمن‌های فصل سرد کاهش در رشد و کیفیت در نور کمتر از ۳۰ درصد مشاهده می‌شود (Pessaraki, 2008). در آزمایشی Dudeck و Peacock (۱۹۹۲) تاثیر سایه بر خصوصیات رشدی چمن‌های فصل سرد از جمله چمن‌ناوش بلند را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که این چمن‌ها در شرایط سایه نسبت به نور کامل دارای رشد رویشی عمودی‌تر، برگ‌های کشیده و باریک‌تر، سیستم ریشه ای سطحی‌تر، قدرت پنجه‌زنی، تراکم و میزان کربوهیدرات کمتری بودند. از طرفی Wherley و همکاران (۲۰۰۵) توانستند چمن چمن‌ناوش بلند را در شرایط ۹۲ درصد سایه حاصل از درختان و سایه مصنوعی مدیریت کنند. در شرایط سایه مصنوعی چمن‌ها دارای کیفیت، رنگ و تراکم قابل قبولی بودند در حالی که چمن‌های کشت شده در سایه درختان تغییرات ظاهری نامناسبی را نشان دادند. (Wherley *et al.*, 2005; Bell *et al.*, 2000). با کاهش فستوز در شرایط سایه، میزان کربوهیدرات‌های غیر ساختاری کل TNC (Total Non-Structural Carbohydrate) نسبت به کربوهیدرات‌های ساختاری به میزان بیشتری کاهش خواهند یافت. در پژوهشی با کاهش نور از ۳۰۰ به ۶۰ میکرومول در چمن چمن‌ناوش بلند، میزان کربوهیدرات‌های غیر ساختاری ۴۳ درصد کاهش نشان داد. درحالی‌که وزن خشک تنها با ۱۳ درصد کاهش

مواجه گردید (Schnyder and Nelson, 1989). در بین چمن‌های فصل سرد چمن‌ناوش بلند بیشترین تحمل به سایه را داشته است. برخی از واریته‌های چمن‌ناوش بلند حتی در یک دوره زمانی ۸ ساله تحت سایه ملایم تا شدید قادر به رشد بوده‌اند (Gardner and Taylor, 2002). برخی مطالعات روی واریته‌های چمن‌ناوش بلند نشان داد تعدادی از آنها قادر به حفظ کیفیت مناسب در ۹۲ درصد سایه نیز می‌باشند (Wherley *et al.*, 2005). تعداد کمی از گونه‌های چمن مورد استفاده به شرایط سایه سازگار هستند (Wilkinson and Beard, 1974). در رویارویی با این مشکل انتخاب گونه‌ها و ارقام مقاوم به سایه یکی از روش‌های اصلی توصیه شده می‌باشد (Pessaraki, 2008). با توجه به فلور گیاهی ایران و ذخایر غنی گیاهان بومی و همچنین با در نظر گرفتن شرایط خشک و نیمه خشک مناطق مرکزی ایران استفاده از گونه‌ها و جمعیت‌های بومی مقاوم به تنش‌های محیطی می‌تواند ضمن حفظ ژرم پلاسما موجود، زمینه لازم جهت پژوهش‌ها و کارهای اصلاحی آینده را نیز فراهم آورد. از جمله این گیاهان، علف گندمی بیابانی (*A. desertorum*) می‌باشد. گونه‌های مختلف علف گندمی در اغلب مراتع ایران می‌رویند و جزء گیاهان مرتعی محسوب می‌شوند. علف گندمی‌ها گیاهانی با عمر طولانی و ساختار ریشه‌ای گسترده هستند، بنابراین برای تثبیت خاک و جلوگیری از فرسایش نیز مناسب می‌باشند (Daniel *et al.*, 2001). در حال حاضر اطلاعات کافی راجع به مقاومت به سطوح مختلف نوری (سطوح مختلف سایه) گونه بومی علف گندمی بیابانی در دسترس نیست. لذا هدف از این پژوهش، مطالعه اثر سطوح مختلف سایه بر خصوصیات ظاهری و مورفولوژیک گونه بومی علف گندمی بیابانی در مقایسه با گونه چمن‌ناوش بلند به عنوان گونه مقاوم می‌باشد.

مواد و روش‌ها:

این پژوهش طی سالهای ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ در دانشکده کشاورزی دانشگاه صنعتی اصفهان انجام پذیرفت. اقلیم منطقه، خشک با متوسط حداکثر دمای سالانه ۲۳/۴ درجه سانتی‌گراد، متوسط حداقل دمای ۹/۱ درجه سانتی‌گراد و متوسط بارندگی سالانه

۱۲۲/۸ میلی‌متر بود. در این آزمایش از دو گونه چمن فصل سرد شامل جمعیت بومی علف گندمی بیابانی (*Agropyron deserturum* L.) و گونه چمانواش (*Festuca arundinaceae*) رقم 'Forager' استفاده شد. بذر جمعیت بومی علف گندمی بیابانی از بخش دامنه، شهرستان فریدن واقع در استان اصفهان جمع آوری گردید. گونه چمانواش بواسطه تحمل بالا به سایه در بین سایر چمنهای فصل سرد متداول در فضای سبز، به عنوان شاهد انتخاب شد. علف گندمی بیابانی و چمانواش در گلدانهای استوانه ای به ارتفاع ۶۰ و قطر ۱۵ سانتیمتر که با خاک لومی رسی (سری اصفهان، $EC=7/4$ dS/m $pH=6/5$) پر شده بودند، با تراکم ۳۰ گرم بذر در متر مربع کشت گردیدند. در طول مدت جوانه زنی و استقرار، مبارزه با علفهای هرز و کوددهی با کود اوره در صورت نیاز به میزان ۵ گرم در متر مربع به صورت محلول در آب آبیاری انجام شد. چمن‌ها به صورت هفتگی و در ارتفاع ۴ سانتی متر سرزنی شدند. آبیاری به طور منظم و به گونه‌ای که در هر بار آبیاری آب از ته گلدان براحتی خارج شود انجام پذیرفت. پس از استقرار چمنها که حدود ۵ ماه به طول انجامید، چمن‌های مذکور به زیر سایبان‌ها جهت اعمال تیمارهای مختلف نوری منتقل شد. سطوح ۷۰، ۵۰ و ۹۰ درصد سایه به ترتیب با یک لایه تور پارچه ای، یک لایه تور سبز رنگ (ساران) و سه لایه تور سبز رنگ (ساران) بدست آمد. جهت ایجاد سایبان از تونل (Clear Span Round Frame) به طول ۳ متر، عرض ۲/۷ متر و حداکثر ارتفاع ۲ متر استفاده شد. جهت جلوگیری از نفوذ نور، اضلاع جانبی سایبان به کمک تورهای مورد استفاده پوشانده شد (Wherley et al., 2005; Tan and Qian, 2003). شدت نور هر هفته به صورت تصادفی در روز آفتابی در ساعت ۱۲ ظهر به کمک نور سنج مدل (ST-1309) در همه سطوح نوری در سطح گلدانها (سطح گیاه) اندازه‌گیری گردید (جدول ۱).

تغییرات دما در هر یک از سطوح سایه دو بار در هفته به کمک دماسنج ماکزیمم-مینیمم اندازه گیری شد. حداقل و حداکثر دمای ثبت شده در طول آزمایش به ترتیب ۱۵ و ۳۰ درجه

سانتیگراد بود. اختلاف دمای موجود بین سطوح مختلف نوری در هر بار اندازه گیری کمتر از سه درجه سانتیگراد ثبت گردید. در این مطالعه برای تعیین رنگ از امتیازدهی بصری توسط ارزیاب با تجربه بر اساس مقیاس ۱ تا ۹ استفاده شد. در ارزیابی مذکور که بر اساس دستورالعمل NTEP صورت گرفت امتیاز ۹ به رنگ سبز تیره و امتیاز یک به رنگ زرد اختصاص یافت. هر دو هفته یکبار ارتفاع گیاه اندازه‌گیری شد. بدین منظور در هر گلدان به طور تصادفی سه نقطه از چمن توسط خط کش با دقت یک میلی متر اندازه‌گیری گردید و سپس میانگین چهار گلدان به عنوان ارتفاع هر واحد آزمایشی یادداشت شد. جهت اندازه گیری بافت (عرض) برگ، در شروع و پایان آزمایش از هر تکرار (چهار گلدان) شش نمونه برگ به طور تصادفی انتخاب گردید و با دستگاه کولیس دیجیتال با دقت ۰/۰۱ میلی متر عرض برگ در قسمت میانی اندازه گیری شد. همچنین جهت تعیین متوسط پنجه‌زنی در هر بوته، در شروع و پایان آزمایش سه گیاه از هر واحد آزمایشی برداشته شد، تعداد پنجه در هر بوته شمارش گردید و میانگین گیری شد. کلروفیل برگ‌ها به روش Lichtenhaler (۱۹۸۷) و توسط حلال استون ۱۰۰ درصد استخراج گردید. میزان جذب نور عصاره در دو طول موج ۶۴۴/۸ و ۶۶۱/۶ نانومتر توسط دستگاه اسپکتروفتومتر مدل (UV-600 A) قرائت شد. اندازه‌گیری میزان کلروفیل بعد از شروع سایه‌دهی به صورت ماهانه و با استفاده از خرده چمنهای تازه حاصل از سربرداری‌ها (clipping) انجام گردید. به منظور اندازه‌گیری فتوسنتز و هدایت روزنه‌ای برگ، از دستگاه قابل حمل اندازه‌گیری فتوسنتز برگ (مدل LCi ساخت کشور انگلستان) استفاده شد. بدین منظور برگ به مدت ۳۰ ثانیه درون اتاقک اندازه‌گیری تبدلات گازی قرار گرفت. اندازه‌گیری در روز صاف و آفتابی بین ساعت ۱۰ تا ۱۲ انجام شد. در پایان آزمایش بلافاصله پس از برداشت بوته‌ها، وزن تر اندام هوایی و ریشه توسط ترازوی دیجیتال با دقت یک میلی گرم اندازه‌گیری شد. همچنین پس از اندازه گیری وزن تر بلافاصله نمونه‌ها در آون در دمای ۷۵ درجه سانتی‌گراد به مدت ۴۸ ساعت خشک شدند سپس وزن

جدول ۱- متوسط نور در سطوح مختلف سایه در بررسی تحمل به سایه چمن علف گندمی بیابانی و گونه چمانواش

سطوح سایه (درصد)	متوسط نور (میکرومول بر متر مربع بر ثانیه)	درصد سایه (نسبت به نور کامل)
۰	۱۴۷۴	---
۵۰	۷۷۳/۶۶	۴۷/۵
۷۰	۳۹۹/۰۶	۷۲/۹
۹۰	۶۳/۶۲	۹۵/۶

سطوح ۵۰ و ۷۰ درصد سایه تفاوت معنی دار نبود. اما در گونه چمانواش بلند در طول ۶ ماه سایه‌دهی بیشترین درجه رنگ (۸/۷) در سایه ۵۰ و ۷۰ درصد دیده شد و کمترین رنگ (۶/۳) در سایه ۹۰ درصد گزارش گردید. در تمامی سطوح سایه، گونه چمانواش بلند بطور معنی‌داری درجه رنگ بالاتری نسبت به گونه علف گندمی بیابانی داشت و حتی در سایه شدید ۹۰ درصد، چمانواش بلند در مقایسه با علف گندمی بیابانی به صورت معنی‌داری از درجه رنگ بیشتری (۶/۳) برخوردار بود (شکل ۱).

پژوهش‌های زیادی در مورد عکس‌العمل گونه‌های مختلف چمن به سطوح مختلف سایه‌های مصنوعی انجام گرفته که واکنش گیاهان بسته به نوع گونه متفاوت بوده است. کاهش رنگ چمن با افزایش سطوح سایه توسط Bell و همکاران (۲۰۰۰) گزارش شد. پژوهش‌ها روی گونه چمانواش بلند نشان داد که این گونه از کیفیت قابل قبولی در سایه ۶۵ درصد برخوردار بود (Tegg and Lane, 2004). تعدادی از ارقام چمانواش بلند قادر به حفظ کیفیت مناسب در ۹۲ درصد سایه نیز بودند (Wherley et al., 2005). در بیشتر چمن‌های فصل سرد، کاهش در رشد و کیفیت (رنگ) در سایه بیشتر از ۷۰ درصد اتفاق می‌افتد (Pessarakli, 2008). علت کاهش رنگ در سطوح بالای سایه را آسیب فتوسنتزی و عدم سنتز مواد اولیه جهت تولید کلروفیل دانسته‌اند (Miralles et al., 2011).

ارتفاع: باتوجه به نتایج بدست آمده، افزایش سطوح سایه (تا سطح ۷۰ درصد) در هر دو گونه باعث افزایش ارتفاع گردید، اما سایه شدید (۹۰ درصد) ارتفاع را در هر دو گونه کاهش داد. در سایه ۵۰ درصد تفاوت معنی‌داری بین دو گونه مشاهده نشد، اما در سایه ۷۰ درصد، گونه علف گندمی بیابانی

خشک با ترازوی دیجیتال اندازه‌گیری گردید. این آزمایش در قالب طرح کاملاً تصادفی با ۸ تیمار و سه تکرار اجرا شد و هر تکرار شامل ۴ گلدان (نمونه) بود. سطوح سایه به عنوان محیط‌های مختلف و گونه به عنوان فاکتور دوم مورد استفاده قرار گرفت. تیمارها شامل چهار سطح سایه (۰، ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد) و دو گونه (علف گندمی بیابانی و چمانواش) بود. بدین ترتیب آزمایش برای هر گونه در قالب طرح کاملاً تصادفی اجرا شد و تجزیه داده‌ها به صورت تجزیه مرکب انجام گردید. تجزیه واریانس داده‌های مربوط به هر صفت و تجزیه رگرسیون به کمک نرم افزار سیستم پردازش آماری SAS (نسخه ۹/۱) و به صورت تجزیه مرکب داده‌ها برای محیط صورت گرفت. میانگین اثرهای متقابل در صورت معنی‌دار بودن از طریق آزمون حداقل تفاوت معنی‌دار، در سطح احتمال پنج درصد توسط نرم افزار MSTATC مورد مقایسه قرار گرفتند.

نتایج و بحث:

نتایج حاصل از تجزیه واریانس نشان داد که تیمار سایه بر کلیه صفات اندازه‌گیری شده در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار گردید. تیمار گونه به جز ارتفاع بر سایر صفات در سطح احتمال یک درصد اثر معنی‌داری داشت. همچنین اثر متقابل سایه و گونه بر کلیه صفات اندازه‌گیری شده در سطح احتمال یک درصد معنی‌دار بوده است (جدول ۲، ۳).

رنگ: برهمکنش سایه و گونه بر صفت رنگ نشان داد که در گونه علف گندمی بیابانی با افزایش سطوح سایه از شدت رنگ کاسته شد بطوریکه بیشترین رنگ (۸/۰) در نور کامل و کمترین رنگ (۵/۴) در سایه ۹۰ درصد مشاهده گردید. بین

جدول ۲- تجزیه واریانس مربوط به تاثیر سطوح مختلف سایه و نوع چمن بر صفات مورفوفیزیولوژیک

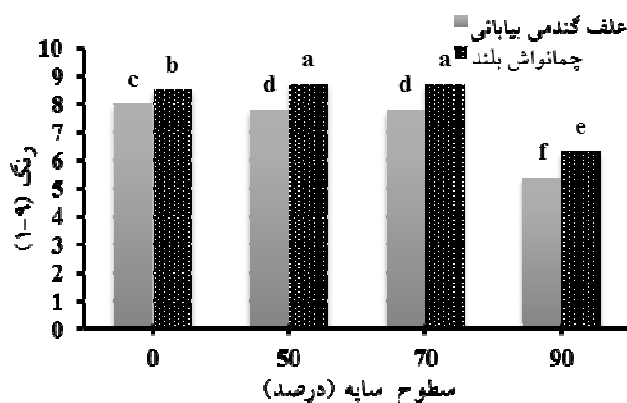
میانگین مربعات								منابع تغییرات
درجه آزادی	رنگ	ارتفاع	بافت	پنجه زنی	کلروفیل کل	فتوستنز	هدایت روزنه ای	
۳	۸/۹**	۶/۷۴**	۱/۷**	۱۲/۵۵**	۰/۱۴۰**	۶۶/۷۶**	۰/۰۶۹**	سایه
۸	۰/۰۰۳ ^{ns}	۰/۰۱ ^{ns}	۰/۰۰۴ ^{ns}	۰/۲۰ ^{ns}	۰/۰۰۲**	۰/۰۶ ^{ns}	۰/۰۰۰۰۷ ^{ns}	تکرار × سایه
۱	۳/۹**	۰/۰۱ ^{ns}	۳/۷**	۶/۰۰**	۰/۰۳۷**	۷/۶۲**	۰/۰۲۲**	گونه
۳	۰/۰۵**	۰/۲۴**	۰/۳۳**	۱۳/۰۰**	۰/۰۲۱**	۲۵/۳۶**	۰/۰۰۴**	سایه × گونه
۸	۰/۰۰۲۹	۰/۰۱۱	۰/۰۰۲	۰/۱۲۵	۰/۰۰۰۲	۰/۱۶۹	۰/۰۰۰۰۴	خطا
	۰/۷۰	۱/۱۶	۲/۱۹	۴/۸۲	۰/۶۳	۵/۹۱	۳/۱۱	ضریب تغییرات

^{ns}: عدم وجود اختلاف معنی دار، *: اختلاف معنی دار در سطح احتمال ۵٪، **: اختلاف معنی دار در سطح احتمال ۱٪.

جدول ۳- تجزیه واریانس مربوط به تاثیر سطوح مختلف سایه و نوع چمن بر وزن تر و خشک اندام هوایی و ریشه

میانگین مربعات						منابع تغییرات
درجه آزادی	وزن تر ریشه	وزن خشک ریشه	وزن تر اندام	وزن خشک اندام	وزن خشک ریشه / وزن خشک اندام هوایی	
۳	۱۳۸/۲**	۱۳۸/۲**	۱۲۶/۸**	۲۵۱۵/۷**	۲۸۳/۶**	سایه
۸	۰/۱ ^{ns}	۰/۱ ^{ns}	۰/۸ ^{ns}	۳۷/۲ ^{ns}	۱/۳ ^{ns}	تکرار × سایه
۱	۴۱/۹**	۴۱/۹**	۵۹۸/۰**	۵۴۱۷/۴**	۱۴۳۸/۹**	گونه
۳	۲۵/۹**	۲۵/۹**	۲۶/۷**	۷۶۰/۶**	۲۸۰/۲**	سایه × گونه
۸	۰/۱	۰/۱	۰/۶۷	۲۴/۵۶	۰/۷	خطا
	۶/۸	۱۰/۷	۵/۸	۱۵/۵	۶/۱	ضریب تغییرات

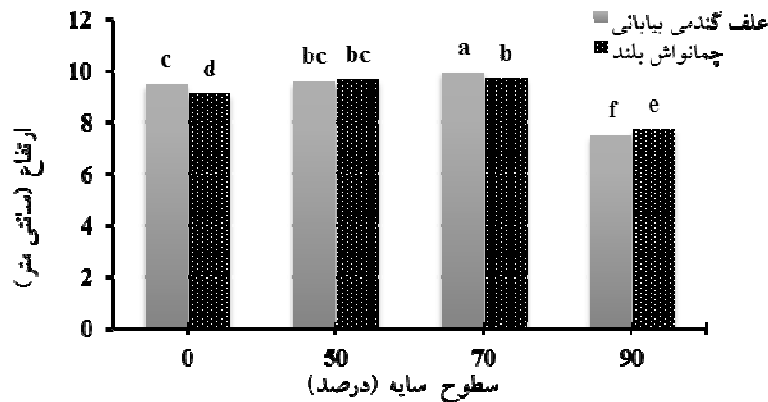
^{ns}: عدم وجود اختلاف معنی دار، *: اختلاف معنی دار در سطح احتمال ۵٪، **: اختلاف معنی دار در سطح احتمال ۱٪.



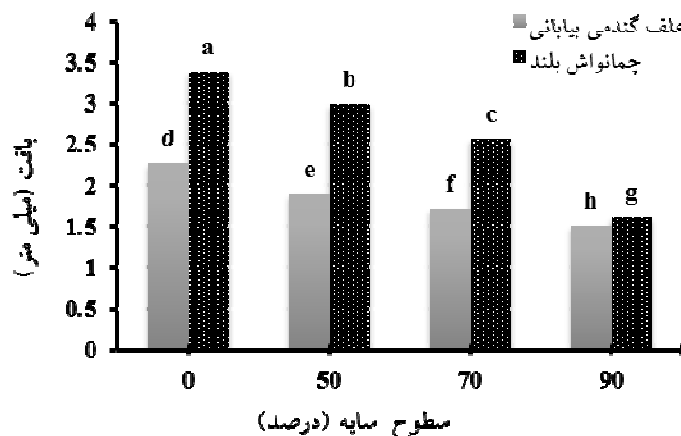
شکل ۱- اثر سطوح مختلف سایه‌دهی بر میزان رنگ چمن علف گندمی بیابانی و چمانوش بلند (ستون‌های دارای حداقل یک حرف مشترک از نظر آماری در سطح ۵ درصد اختلاف معنی دار ندارند).

ارتفاع بیشتری را نشان داد (شکل ۲). رای گراس چند ساله (*Lolium preenne*) در شرایط سایه،

در چمن‌های حساس به سایه مانند پوآ (*Poa pratensis*) و افزایش ارتفاع و رشد عمودی گیاه مشاهده شده است



شکل ۲- اثر سطوح مختلف سایه‌دهی بر ارتفاع علف گندمی بیابانی و چماناوش بلند (ستون‌های دارای حداقل یک حرف مشترک از نظر آماری در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌دار ندارند).

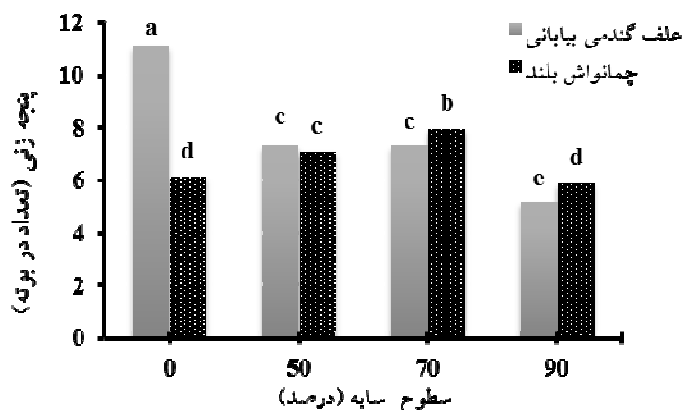


شکل ۳- اثر سطوح مختلف سایه‌دهی بر بافت (عرض) برگ علف گندمی بیابانی و چماناوش بلند (ستون‌های دارای حداقل یک حرف مشترک از نظر آماری در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌دار ندارند).

(Faust *et al.*, 2005) نیز گزارش شده است.

بافت و قدرت پنجه زنی: نتایج بر همکنش سایه و گونه بر بافت (عرض برگ) نشان داد که در هر دو گونه با افزایش سطوح سایه بافت برگ مناسب‌تر گردید بطوریکه بیشترین عرض برگ در سایه صفر و ظریف‌ترین بافت در سایه ۹۰ درصد دیده شد. در کلیه سطوح سایه، گونه چماناوش بلند نسبت به علف گندمی بیابانی بافت خشن‌تری (عریض‌تر) داشت. درصد کاهش بافت در سطوح سایه ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد نسبت به نور کامل در گونه چماناوش بلند به ترتیب ۱۱، ۲۴ و ۵۲ درصد و در گونه علف گندمی بیابانی ۱۶، ۲۴ و ۳۳ درصد بود (شکل ۳).

(Dudeck and Peacock, 1992). در شرایط سایه، چمن با افزایش ارتفاع از آن اجتناب می‌کند که این مکانیسم خود موجب مشکلات بعدی برای گیاه و مشکلات مدیریتی می‌گردد. این افزایش ارتفاع ممکن است در اثر تولید بیش از حد جیبرلین بویژه GA_1 (Tan and Qian, 2003) و در برخی موارد اکسین باشد (Pessarakli, 2008). تولید این هورمون‌ها تحت تاثیر پاسخهای نوری برخی گیرنده‌های نوری از جمله فتوروپینها (phototropins)، کریپتوکرومها (cryptochroms) و فیتوکرومها (phytochromes) قرار می‌گیرد (Folta, 2003; Kawai, 2003). کاهش ارتفاع در سطوح شدید سایه در گیاهان دیگر نظیر لیسیناتوس (ره‌نمون فر و همکاران، ۱۳۹۱) و گل جعفری



شکل ۴- اثر سطوح مختلف سایه‌دهی بر پنجه‌زنی علف گندمی بیابانی و چمنانوش بلند (ستون‌های دارای حداقل یک حرف مشترک از نظر آماری در سطح ۵ درصد اختلاف معنی‌دار ندارند).

بلند راهکاری در جهت افزایش رشد جانبی و به دنبال آن افزایش سطح جذب فوتون‌های نوری می‌باشد. وزن تر و خشک اندام هوایی: با توجه به جدول (۴) وزن تر اندام هوایی تحت تاثیر افزایش شدت سایه در هر دو گونه کاهش یافت. به طوری که در هر دو گونه بیشترین وزن تر اندام هوایی متعلق به سایه صفر و کمترین وزن تر اندام هوایی متعلق به سایه ۹۰ درصد بود. درصد کاهش وزن تر اندام هوایی در سطوح سایه ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد نسبت به نور کامل در گونه چمنانوش بلند به ترتیب ۴۶، ۵۶ و ۸۰ درصد و در گونه علف گندمی بیابانی ۴۲، ۶۰ و ۶۷ درصد محاسبه شد. در تمامی سطوح سایه، وزن تر اندام هوایی گونه چمنانوش بلند بیشتر از گونه علف گندمی بیابانی بود. همچنین وزن خشک اندام هوایی علف گندمی بیابانی تحت تاثیر سایه قرار نگیرد اما در گونه چمنانوش بلند، سایه بر وزن خشک اندام هوایی موثر بود و باعث کاهش وزن خشک گردید به طوری که بین سایه صفر با سایر سطوح سایه تفاوت معنی‌دار شد. به غیر از سایه صفر که وزن خشک اندام هوایی گونه چمنانوش بلند بیشتر از علف گندمی بیابانی بود در سایر سطوح بین دو گونه تفاوت معنی‌دار نبود (جدول ۴).

کاهش وزن اندام هوایی بر اثر سایه در گیاهان متعددی از جمله لیسپانتوس *Eustoma grandiflorum* (رهنمون فر و همکاران، ۱۳۹۱)، فیکوس بنجامین *Ficus benjamina*

همچنین با توجه به نتایج بدست آمده از اثر متقابل سایه و گونه مشخص گردید که با افزایش سطوح سایه، قدرت پنجه‌زنی در گونه علف گندمی بیابانی کاسته شد به طوری که در این گونه بیشترین و کمترین قدرت پنجه زنی به ترتیب در نور کامل و سایه ۹۰ درصد مشاهده گردید. در گونه چمنانوش بلند، پنجه زنی با افزایش سطوح سایه (تا سطح سایه ۷۰ درصد) نه تنها کاهش نیافت بلکه افزایش معنی‌داری را نسبت به نور کامل نشان داد. در این گونه کمترین قدرت پنجه زنی در نور کامل و سایه ۹۰ درصد بوده است (شکل ۴).

برخی پژوهش‌ها مویید کاهش بافت و قدرت پنجه‌زنی در شرایط سایه بوده‌اند که با نتایج این آزمایش مطابقت دارد (Pessarakli, 2008). چمنهای حساس به سایه پوا (*Poa pratensis*) و رای گراس چند ساله (*Lolium prene*) در شرایط سایه دارای برگهایی با بافت باریک‌تر و پنجه‌زنی کمتر بودند (Dudeck and Peacock, 1992).

کاهش شدت نور سبب کاهش سنتز ساکارز در گیاه و به دنبال آن کاهش پنجه‌زنی، تراکم و بافت برگ می‌گردد (Wherley et al., 2005). گونه‌های مقاوم به سایه از نظر فیزیولوژیکی و مورفولوژیکی دارای انعطاف پذیری بالایی جهت جذب نور و فتوسنتز در شرایط سایه می‌باشند (Kubiske et al., 1996). به نظر می‌رسد افزایش پنجه‌زنی همراه با افزایش سطوح سایه (تا ۷۰ درصد) در گونه چمنانوش

جدول ۴- برهمکنش سایه و گونه بر وزن تر و خشک اندام هوایی و ریشه

سایه	وزن کل اندام هوایی (گرم در گلدان)	وزن کل ریشه (گرم در گلدان)	وزن خشک ریشه/اندام هوایی
(درصد)	گونه	وزن تر	وزن خشک
۰	آگروپایرون	۳۰/۱۰ ^d	۱۲/۶۹ ^b
۰	فستوکا	۸۹/۰۹ ^a	۲۸/۹۴ ^a
۵۰	آگروپایرون	۱۷/۴۲ ^e	۷/۱۸ ^b
۵۰	فستوکا	۴۷/۴ ^b	۱۵/۹۱ ^b
۷۰	آگروپایرون	۱۱/۹۶ ^f	۷/۰۲ ^b
۷۰	فستوکا	۳۹/۱۳ ^c	۱۴/۳۹ ^b
۹۰	آگروپایرون	۹/۸۳ ^g	۸/۶۵ ^b
۹۰	فستوکا	۱۷/۴۱ ^e	۱۲/۷۱ ^b
LSD		۱/۵۴	۹/۳۳

در هر ستون میانگین‌هایی که حداقل در یک حرف مشترک باشند تفاوت معنی‌داری در سطح ۵ درصد آزمون LSD ندارند. (آگروپایرون = علف گندمی بیابانی و فستوکا = چمانواش بلند)

گونه بیشتر از اندام هوایی تحت تاثیر قرار گرفته است. نسبت وزن خشک ریشه به اندام هوایی در گونه علف گندمی بیابانی از سطوح متوسط سایه (۵۰ درصد) رو به کاهش گذاشت هر چند تفاوت معنی‌داری بین سطوح ۵۰ و ۷۰ درصد مشاهده نشد. اما در گونه چمانواش بلند بیشترین مقدار در سایه صفر و ۵۰ درصد (به ترتیب ۶/۰۹ و ۷/۶) و کمترین مقدار در سایه ۹۰ درصد (۰/۳۲) مشاهده شد. تنها در سطح سایه ۹۰ درصد تفاوت معنی‌داری بین دو گونه مشاهده نشد. در سایر سطوح سایه همواره نسبت وزن خشک ریشه به اندام هوایی در گونه علف گندمی بیابانی به صورت معنی‌داری بیشتر از چمانواش بلند بود (جدول ۴). کمتر بودن نسبت ریشه به اندام هوایی و تمایل گیاه به تولید اندام هوایی و رشد جانبی جهت افزایش جذب نور در گیاهان سازگار به نور پایین دیده شده است (Yang *et al.*, 2007). گزارش‌های زیادی مبنی بر کاهش وزن ریشه و نسبت ریشه به اندام هوایی در شرایط تنش سایه وجود دارد که کاملاً با یافته‌های پژوهش حاضر هماهنگی دارد (Wherley *et al.*, 2005; Dudeck and Peacock, 1992; Allard *et al.*, 1991; Wilkinson and Beard, 1974). زمانی که عامل محدود کننده‌ی رشد، کمبود شدت نور باشد چون شاخه‌ها منبع قویتری برای فتوسنتز می‌باشند، نسبت ریشه به

(Veneklaasa and Ouden, 2005) و عناب (*Ziziphus jujuba*) (Miralles *et al.*, 2011) گزارش شده است. پژوهش‌ها نشان داده است که در شرایط سایه سطح فتوسنتزی برگ‌ها نسبت به وزن خشک افزایش یافته است که برای این کار گیاه از سلولز و لیگنین موجود در دیواره سلولی هزینه می‌نماید و در نهایت وزن اندام هوایی کاهش می‌یابد. از دیگر دلایل کاهش وزن خشک اندام هوایی، افزایش محتوای آب برگ‌ها در شرایط سایه (Pessarakli, 2008) و کاهش سطح نشاسته و قند محلول (Veneklaasa and Ouden, 2005) می‌باشند.

وزن تر و خشک ریشه و نسبت وزن خشک ریشه به اندام هوایی: با توجه به جدول (۴) با افزایش سطوح سایه در هر دو گونه وزن تر و خشک ریشه بطور معنی‌داری کاهش یافت. درصد کاهش وزن تر ریشه در سطوح سایه ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد نسبت به نور کامل در گونه چمانواش بلند به ترتیب ۱۶، ۶۷ و ۹۷ درصد و در گونه علف گندمی بیابانی ۶۱، ۷۹ و ۹۵ درصد بود. همچنین درصد کاهش وزن خشک ریشه در سطوح سایه ۵۰، ۷۰ و ۹۰ درصد نسبت به نور کامل در گونه چمانواش بلند به ترتیب ۲۵، ۶۸ و ۹۹ درصد و در گونه علف گندمی بیابانی ۵۱، ۷۱ و ۹۷ درصد گزارش گردید. مشاهده می‌شود وزن ریشه در شرایط سایه ۷۰ و ۹۰ درصد در هر دو

شاخه برای هر دو گیاه C_3 و C_4 کاهش می‌یابد. البته کاهش ریشه، توانایی گیاه (چمن) را در خارج کردن رطوبت و مواد غذایی از خاک کاهش می‌دهد (Pessarakli, 2008).

کلروفیل: اثر متقابل سایه و گونه بر میزان کلروفیل در واحد وزن نشان داد که در هر دو گونه با افزایش سطوح سایه میزان کلروفیل افزایش یافت (جدول ۵). در هر دو گونه کمترین و بیشترین میزان کلروفیل در واحد وزن به ترتیب در نور کامل و در سایه ۹۰ درصد مشاهده گردید. در نور کامل و سایه ۵۰ درصد، گونه علف گندمی بیابانی نسبت به چمانواش بلند میزان کلروفیل بیشتری را نشان داد. تفاوت معنی‌داری بین دو گونه در سایه ۷۰ درصد مشاهده نشد. در سایه شدید ۹۰ درصد، گونه چمانواش بلند بطور معنی‌داری از میزان کلروفیل بیشتری برخوردار بود (جدول ۵).

بر اساس آزمایش‌های انجام شده میزان کلروفیل برگهای رشد یافته در سایه در واحد سطح برگ به دلیل کاهش تعداد سلولها و کلروپلاستها، کمتر می‌باشد درحالی‌که میزان کلروفیل در واحد وزن و حجم در سایه‌های ملایم افزایش می‌یابد (Wherley et al., 2005; Winstead and Ward, 1974). همچنین پیشنهاد شده است که افزایش ساخت کلروفیل با بکارگیری نور توسط برگ‌ها مرتبط می‌باشد (Dai et al., 2009). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که با کاهش شدت نور، میزان کلروفیل افزایش یافته است (Beard, 1997). طی آزمایشی نشان داده شد که سطوح سایه پایین (۳۵ درصد) بر چمن‌های فصل سرد از جمله رای گراس باعث افزایش کلروفیل می‌گردد (Van Huylenbroeck and Van Bockstaele, 2001). همچنین در چمن‌های سردسیری پوآ (*Poa pratensis*) و فستوکای قرمز (*Festuca rubra*)، سایه باعث افزایش میزان کلروفیل گردید (Wilkinson and Beard, 1974). در گیاه زیتنی *Heptacodium miconioides* با کاهش شدت نور، میزان کلروفیل برگ‌ها افزایش یافت؛ اما در شدت نور بسیار پایین (کمتر از ۳۵۰ میکرومول بر متر مربع بر ثانیه) میزان کلروفیل کاهش یافت (Liu et al., 2006). نتایج نشان داد که در درخت عناب، سایه ۲۵، ۵۰ و ۶۵ درصد، میزان

کلروفیل را افزایش داد اما در سایه ۸۰ درصد میزان کلروفیل کاهش یافت که علت آن می‌تواند مربوط به آسیب فتوسنتزی در اثر تنش سایه باشد (Miralles et al., 2011). در پژوهشی، Wherley و همکاران (۲۰۰۵) علت کاهش کلروفیل در سطوح نوری بالا را اکسیداسیون نوری کلروفیل دانستند در حالی که سطوح پایین نوری از تجزیه کلروفیل جلوگیری می‌کنند.

فتوستت و هدایت روزنه‌ای: با توجه به جدول (۵) در گونه علف گندمی بیابانی با افزایش سطوح سایه تا ۷۰ درصد میزان فتوستت افزایش یافت اما سطوح شدید سایه (۹۰ درصد) باعث کاهش معنی‌دار فتوستت در این گونه گردید. درحالی‌که در گونه چمانواش بلند بیشترین میزان فتوستت در سایه ۵۰ درصد بود و در سطوح بالاتر (۷۰ و ۹۰ درصد) میزان فتوستت به صورت معنی‌داری کاهش یافت. در هر دو گونه کمترین میزان فتوستت در سایه شدید ۹۰ درصد بود و بین دو گونه در این سطح سایه تفاوت معنی‌داری دیده نشد. بیشترین میزان فتوستت در نور کامل و سایه ۷۰ درصد به ترتیب متعلق به گونه چمانواش بلند و علف گندمی بیابانی بود. در سایه ۵۰ درصد، بین دو گونه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. همچنین هدایت روزنه‌ای در گونه علف گندمی بیابانی با افزایش سطوح سایه کاهش یافت اما در گونه چمانواش بلند از سایه ۷۰ درصد شروع به کاهش کرد و تفاوت معنی‌داری بین نور کامل و سایه ۵۰ درصد مشاهده نشد. در هر دو گونه کمترین هدایت روزنه‌ای در سایه ۹۰ درصد مشاهده گردید. در نور کامل، سایه ۷۰ و ۹۰ درصد، گونه علف گندمی بیابانی هدایت روزنه‌ای بالاتری نسبت به گونه چمانواش بلند نشان داد اما در سایه ۵۰ درصد تفاوت معنی‌داری بین دو گونه مشاهده نشد (جدول ۵). گزارش‌های بسیاری نشان داده‌اند که کاهش شدت نور تا سطوح خاصی منجر به کاهش میزان فتوستت و هدایت روزنه‌ای در گیاهان می‌شود. در آزمایشی روی گیاه عناب، Miralles و همکاران (۲۰۱۱) گزارش کردند که سایه ۶۵ و ۸۰ درصد منجر به کاهش سرعت فتوستت و کاهش تراکم روزنه‌ای در طول دوره آزمایش گردید. همچنین Saifuddin و همکاران (۲۰۱۰) در آزمایشی روی گیاه گل کاغذی (*Bougainvillea glabra*)

هدایت روزنه ای گردد.

نتیجه گیری:

نتایج بدست آمده از این آزمایش نشان داد که بهترین سطح نوری مورد استفاده برای گونه علف گندمی بیابانی با توجه به دارا بودن بیشترین رنگ، بافت، قدرت پنجه زنی، وزن تر و خشک اندام هوایی و ریشه، نسبت ریشه به اندام هوایی و هدایت روزنه‌ای؛ شرایط نور کامل می‌باشد. همچنین به نظر می‌رسد در گونه چمانواش بلند، سایه ۵۰ درصد با دارا بودن رنگ، قدرت پنجه زنی، نسبت ریشه به اندام هوایی و فتوستتز بیشتر نسبت به نور کامل شرایط نوری مناسب‌تری برای این گونه باشد. هر چند این گونه با توجه به رنگ و قدرت پنجه-زنی بالا، سایه ۷۰ درصد را نیز تا حدودی تحمل کرده است. مقایسه دو گونه نشان می‌دهد که در شرایط نور کامل و کلیه سطوح سایه، گونه چمانواش بلند نسبت به علف گندمی بیابانی از نظر ویژگی‌های مناسب جهت کاربرد زینتی در فضای سبز از قبیل رنگ، ارتفاع، وزن تر و خشک اندام هوایی و فتوستتز بهتر عمل کرده است. هر دو گونه قادر به تحمل سایه شدید ۹۰ درصد نبودند، هر چند گونه چمانواش بلند به مراتب متحمل‌تر از علف گندمی بیابانی بوده است.

کمترین میزان هدایت روزنه‌ای را در سایه ۷۵ درصد و بیشترین میزان آن را در سایه ۵۰ درصد گزارش نمودند. در عناب، کاهش شدید نور (سایه ۸۰ درصد) باعث کاهش فعالیت شیمیایی فتوسیستم دو و فتوستتز گردید (Miralles *et al.*, 2011). در گونه علف گندمی بیابانی، افزایش سایه تا سطح ۷۰ درصد باعث افزایش فتوستتز گردید اما با در نظر گرفتن کاهش هدایت روزنه‌ای با افزایش سطوح سایه و با توجه به این عقیده کلی مبنی بر اینکه افزایش سایه باعث کاهش تبخیر و تعرق (Feldhake *et al.*, 1983) و به دنبال آن افزایش تنفس نوری می‌گردد (Pessarakli, 2008)، به نظر می‌رسد افزایش فتوستتز نتوانسته بر تنفس نوری فائق آید که گواه این ادعا، کاهش زیست‌توده گیاهی و پنجه زنی می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که افزایش فتوستتز در سایه لزوماً دلیل بر افزایش کارایی گیاه نیست و نیاز به بررسی سرعت تنفس نیز می‌باشد. همچنین احتمالاً بخشی از کاهش فتوستتز بر اثر سایه به دلیل کاهش سنتز آنزیم‌های موثر در فتوستتز می‌باشد. در شرایط سایه و به دنبال از بین رفتن پلاستیدها و کاهش نواحی استرومایی کلروپلاستها، میزان آنزیم ریبولوز بیس فسفات کربوکسیلاز (RuBP) کاهش می‌یابد (Prioul *et al.*, 1980). تراکم روزنه‌ای چمن‌های C_3 هم اغلب با کاهش شدت نور کاهش می‌یابد (Allard *et al.*, 1991). کاهش تراکم روزنه ای خود می‌تواند باعث کاهش

منابع:

- رهنمون فر، م. (۱۳۹۰). تأثیر سایه، مواد آلی و زمان کاشت بر خصوصیات مورفولوژیک و فیزیولوژیک گل لیسیانئوس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صنعتی اصفهان، اصفهان، ایران.
- Alexander, C. W. and McCloud, D. E. (1962) CO₂ uptake (net photosynthesis) as influenced by light intensity of isolated bermudagrass leaves contrasted to that of swards under various clipping regimes. *Crop Science* 2: 132-135.
- Allard, G., Nelson, C. J. and Pallardy, S. G. (1991) Shade effects on growth of tall fescue: I. Leaf anatomy and dry matter partitioning. *Crop Science* 31: 163-167.
- Beard, J. B. (1973) *Turfgrass: Science and Culture*. Prentice Hall, Inc. 658 pp.
- Beard, J. B. (1997) Shade stresses and adaptation mechanisms of turfgrasses. *International Turfgrass Society Research Journal* 8: 1186-1195.
- Bell, G. E., Danneberger, T. K. and McMahon, M. J. (2000) Spectral irradiance available for turfgrass growth in sun and shade. *Crop Science* 40: 189-195.
- Dai, Y., Shen, Z., Liua, Y., Wang, L., Hannaway, D. and Lu, H. (2009) Effects of shade treatments on the photosynthetic capacity, chlorophyll fluorescence, and chlorophyll content of *Tetrastigma hemsleyanum* Diels et Gilg. *Environmental and Experimental Botany* 65: 177-182.
- Daniel, G. O., Loren, S. T. J. and Jensen, K. B. (2001) Crested Wheatgrass (*Agropyron cristatum*) and *Agropyron desertorum* accessions. *Canadian Journal Plant Science* 70: 707-716.
- Dudeck, A. E. and Peacock, C. H. (1992) Shade and turfgrass culture. In: *Turfgrass, Agronomy*

- Prioul, J.-L., Brangeon, J. and Reyss, A. (1980) Interaction between external and internal conditions in the development of photosynthetic features in a grass leaf. I. Regional responses along a leaf during and after low-light or high-light acclimation. *Plant Physiology* 66: 762–769.
- Saifuddin, M., Hossain, A. M. B. and Normaniza, S. (2010) Impact of shading on flower formation and longevity, leaf chlorophyll and growth of *Bougainville glabra*. *Plant Science* 1682-3974.
- Schnyder, H. and Nelson, C. J. (1989). Growth rate and assimilate partitioning in the elongation zone of tall fescue leaf blades at high and low irradiance. *Plant Physiology* 90: 1201–1206.
- Stanford, R. L. (2005) Temperature, nitrogen and light effects on hybrid bermudagrass growth and development. *Crop Science* 45: 2491–2496.
- Tan, Z. G. and Qian, Y. L. (2003) Light intensity affects gibberellic acid content in Kentucky bluegrass. *HortScience* 38: 113-116.
- Tegg, R. S. and Lane, P. A. (2004) A comparison of the performance and growth of a range of turfgrass species under shade. *Australian Journal of Experimental Agriculture* 44: 353–358.
- Van Huylenbroeck, J. M. and Van Bockstaele, E. (2001) Effects of shading on photosynthetic capacity and growth of turfgrass species. *International Turfgrass Society Research Journal* 9: 353–359.
- Veneklaasa, E. J. and Ouden, F. d. (2005) Dynamics of non-structural carbohydrates in two ficus species after transfer to deep shade. *Environmental and Experimental Botany* 54: 148–154.
- Wherley, B. G., Gardner, D. S. and Metzger, J. D. (2005) Tall fescue photomorphogenesis as influenced by changes in the spectral composition and light intensity. *Crop Science* 45: 562–568.
- Wilkinson, J. F. and Beard, J. B. (1974) Morphological responses of *Poa pratensis* and *Festuca rubra* to reduced light intensity. 2nd International Turfgrass Research Conference, Blacksburg, Virginia, United States.
- Winstead, C. W. and Ward, C. Y. (1974) Persistence of southern turfgrasses in a shade environment, in Proc. 2nd International Turfgrass Research Conference, Blacksburg, Virginia, United States.
- Yang, Y., Liu, Q., Han, C., Qiao, Y. Z., Yao, X. Q. and Yin, H. J. (2007) Influence of water stress and low irradiance on morphological and physiological characteristics of *Picea asperata* seedlings. *Photosynthetica* 45: 613-619.
- Monograph 32 (eds. Waddington, D.V., Carrow, R.N. and Shearman, R.C.). Pp. 269–284. ASA-CSSA-SSSA, Madison, WI.
- Faust, J. E., Holcombe, V. Rajapakse, N. C. and Layne D. R.. (2005) The effect of daily light integral on bedding plant growth and flowering. *HortScience* 40: 645–649.
- Feldhake, C. M., Danielson, R. E. and Butler, J. D. (1983) Turfgrass evapotranspiration. I. Factors influencing rate in urban environments. *Agronomy Journal* 75: 824–830.
- Folta, K. M. (2003) Genomic and physiological studies of early cryptochrome I action demonstrate roles for auxin and gibberellin in the control of hypocotyls growth by blue light. *Plant Journal* 36: 203–214.
- Gardner, D. S. and Taylor, J. A. (2002) Change over time in quality and cover of various turfgrass species and cultivars maintained in shade. *Hort Technology* 12: 465–469.
- Goss, R. M. (2002) Trinexapac-ethyl and nitrogen effects on creeping bentgrass grown under reduced light conditions. *Crop Science* 42: 472–479.
- Kawai, H. (2003) Responses of ferns to red light are mediated by an unconventional photoreceptor. *Nature* 421: 287–290.
- Kubiske, M. E., Abrams, M. D. and Mostoller, S. A. (1996) Stomatal and nonstomatal limitations on photosynthesis in relation to the drought and shade tolerance of tree species in open and understory environments. *Trees* 11: 76–82.
- Lichtenhaler, H. K. (1987) Chlorophylls and carotenoids, the pigments of photosynthetic biomembranes. In: *Methods Enzymol* (eds. Douce, R. and Packer, L.) Pp.350-382. Academic Press Inc, New York.
- Liu, P., Yang, Y. S., Xu, G. and Hao, C. (2006) Physiological response of rare and endangered seven-son-flower (*Heptacodium miconioides*) to light stress under habitat fragmentation. *Environmental and Experimental Botany* 57: 32-40.
- Madison, J. H. (1971) *Practical Turfgrass Management*. Van Nostrand Reinhold Co, New York.
- Miralles, J., MartínezSánchez, J. J., Francoa, J. A. and Bañón, S. (2011) *Rhamnus alaternus* growth under four simulated shade environments: Morphological ,anatomical and physiological responses. *Scientia Horticulturae* 127: 562–570.
- Pessarakli, M. (2008) Hand book of turfgrass management and physiology. In: *Shade Stress and Management* (eds. Clinton, J. and Gardner, D.S.) Pp. 447-472. CRC Press, Arizona.